



Modeling the Lifestyle of Martyrs in the Advancement of the Family

Fatemeh Mohammadi ^{1*}, Karim Mobarki ^{2*}

1- Master's degree in Quranic and Hadith Sciences from the University of Quranic Sciences and Education, Ardabil

2- Master of Science in Quran and Hadith from the University of Tehran, Ardabil

Abstract:

In the family institution, it is the most effective factor in transmitting culture and the fundamental pillar of society, which in various circumstances is in mutual influence and influence with culture and social factors. Islam considers this sacred institution as the center of education and the cradle of affection and mercy. All societies have their own lifestyles and behavioral patterns that are in line with their cultural characteristics. One of the popular styles in the present era is the lifestyle of the martyrs. A lifestyle that is based on Islamic teachings and values and the character of the martyrs and can be effective in the advancement of the family. In the perspective of the culture and lifestyle of the martyrs, the criterion for the superiority of the family is the possession of Islamic virtues and values. Therefore, awareness of the sublime lifestyle of the martyrs is needed by every family so that, by following their example, they can implement human ethics in their own institution and have a divine view of this sacred center. The present article, with the aim of explaining this issue in an analytical-descriptive manner, has modeled and explained the lifestyle of the martyrs in order to elevate the family. After expressing the concepts and components of the lifestyle of the martyrs, including monotheism, guardianship, honor and respect, etc., it has reached the conclusion that Islam has two approaches to motivating families in fertilizing spirituality: a cognitive and epistemological approach and an emotional and spiritual approach.

Review History:

Received:1404/3/8

Revised:1404/4/30

Accepted:1404/9/20

Available Online:1404/10/1

Keywords:

Family

Culture of martyrdom

Lifestyle of martyrs

Quran and narrations

How To Cite This Article:

Mohammadi, F., & Mobaraki, K. (2025). – Modeling the Lifestyle of Martyrs in the Advancement of the Family. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(6) 1-18 (In Persian)



*Corresponding author's email: f.mohammadi2020.70@gmail.com, & karim.mobaraki@gmail.com





الگوسازی سبک زندگی شهدا در تعالی خانواده

فاطمه محمدی^{۱*} و کریم مبارکی^۲

۱- کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم و معارف قرآن، اردبیل

۲- کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران، اردبیل

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت ۱۴۰۴/۳/۸

بازنگری: ۱۴۰۴/۴/۳۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۲۰

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۱

کلمات کلیدی:

خانواده

فرهنگ شهادت

سبک زندگی شهدا

قرآن

روایات

در نهاد خانواده موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تاثیر و تأثیر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. اسلام این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد. تمام جوامع دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی خود برخوردار بوده‌اند. یکی از سبک‌های مطرح در عصر حاضر، سبک زندگی شهدا است. نوعی شیوه زندگی که براساس آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی و سیره شهدا بنا شده باشد و می‌تواند در تعالی خانواده مؤثر واقع شود. در بینش فرهنگ و سبک زندگی شهدا ملاک برتری خانواده، برخورداری از فضیلتها و ارزشهای اسلامی است. از این رو، آگاهی از سبک زندگی متعالی شهدا مورد نیاز هر خانواده است تا با الگوگیری از آنها، اخلاق انسانی را در نهاد خود پیاده کرده و یک نگاه الهی به این کانون مقدس داشته باشند. نوشتار حاضر با نگرش و هدف تشریح این مساله به روش تحلیلی-توصیفی، سبک زندگی شهدا را در جهت تعالی خانواده الگوسازی و تبیین نموده است. و پس از بیان مفاهیم و مؤلفه‌های سبک زندگی شهدا از جمله توحید محوری، ولایت مداری، اکرام و احترام و ... به این نتایج رسیده است که اسلام در جهت انگیزش خانواده‌ها در بارورسازی معنویت دو رویکرد دارد: رویکرد شناختی و معرفتی - رویکرد عاطفی و معنوی.



برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Mohammadi, F., & Mobaraki, K. (2025). – Modeling the Lifestyle of Martyrs in the Advancement of the Family. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(6) 1-18 (In Persian)

* نویسنده عهदार مکاتبات: f.mohammadi2020.70@gmail.com, & karim.mobaraki@gmail.com



مقدمه

نهاد خانواده موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و متأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است، انسان ها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می یابند و در خانواده های سالم به تکامل معنوی و اخلاقی نائل می شوند، از این رو، خانواده عاملی موثر در کمال بخشی، آرامش و بالندگی اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمده ای ایفا می کنند.

اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش بر می شمارد. نگاه قرآن به خانواده، نگاه به چند نفر که قصد همزیستی زیر یک سقف را دارند، نیست. قرآن، خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می بیند و بالقوه آن را یک مجموعه‌ی متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌انگارد که برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی تعیین می‌نماید. خداوند در سوره فرقان، دوازده ویژگی برای عبادالرحمن نام می‌برد. در یازدهمین ویژگی، «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان»^۱، به توجه خاص مؤمنین به خانواده و فرزندان اشاره می‌نماید. بر طبق آیه‌ی مبارکه، آن‌ها تنها به ابراز احساسات اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای خانواده خویش دعا می‌کنند. بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند؛ بلکه دعا دلیل شوق و عشق درویشان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آن‌چه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آن‌ها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند. در حقیقت، یک مؤمن با یک برنامه‌ی دراز مدت، خود و خانواده خود را تربیت می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه از بندگی یعنی جایگاه عبادالرحمن - مؤمنین ممتاز - دست یابند. نظام خانواده، نظام ارزشمند و محبوبی است که در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از او پایه ریزی نشده است. چنانچه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (مجلسی ۱۰۰، ۱۳۷۰، ۱۲۲).

از آن جایی که هیچ کدام از جوامع بشری را نمی‌توان عاری از فرهنگ تصور کرد، بنابراین، می‌توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تاکنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی خود برخوردار بوده‌اند. یکی از سبک‌های رایج در عصر حاضر، سبک زندگی شهدا است که شالوده و مبنای آن آموزه‌های دین مبین اسلام است، این نوع سبک زندگی دارای ویژگی‌هایی از جمله، ساده زیستی، نفی تجمل‌گرایی، هم‌گرایی و سازگاری در خانواده و جامعه و ارتقای آستانه تحمل در برابر مشکلات است. در خصوص اهمیت سبک زندگی شهدا باید اذعان کنیم که انتخاب صحیح این نوع روش زندگی می‌تواند بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های موجود در جامعه را کاهش دهد، که دغدغه اصلی برای مردم و مسؤولان محسوب می‌شود و الگو برداری از شیوه زندگی شهدا می‌تواند در بسیاری از موارد این چالش را بر طرف کند.

بر این اساس می‌توان گفت بررسی بایسته‌های خانواده متعالی در سبک زندگی شهدا که برگرفته از سبک زندگی اسلامی است، ضرورت دارد، علی‌الخصوص که این بایسته‌ها از دیدگاه خالق انسان و نگرش وحیانی قرآن مورد توجه قرار گیرد که به

جنبه های مختلف دنیوی و اخروی انسان توجه داشته و هیچ جنبه ای از جنبه های گوناگون خلقت را فراموش نکرده است. بی شک این نگاه جامع بود و در صورت تدوین صحیح آسیمی را متوجه خود نخواهد ساخت.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱. خانواده

«خانواده» در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، و فامیل به کار رفته است. (دهخدا ۱۳۳۴، ۶، ۹۴۳۸). خانواده در نظر بسیاری از مردم به منزله یک واحد اجتماعی است که شامل یک زوج متأهل و فرزندانشان است که در خانه ای در کنار یکدیگر زندگی می کنند. به عقیده برخی: خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب و سبب با یکدیگر به عنوان پدر، شوهر، مادر، زن، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می کنند. (ساروخانی ۱۳۹۲: ۱۳۵)

از نگاه قرآن کریم، خانواده که همان خانواده متعالی می باشد عبارت است از یک نهاد کوچک که از ازدواج رسمی و شرعی یک جنس مذکر و یک جنس مؤنث شکل می گیرد و به طور معمول به تولید نسل می انجامد و اعضای آن با هم زندگی مشترک و صمیمی دارند و نسبت به هم دارای مودت و وظایفی می باشند.

۱-۲. سبک زندگی شهدا

سبک زندگی که معادل عربی آن نهج الحیاه و معادل انگلیسی آن life style می باشد به معنی روش زندگی کردن است و به عبارت ساده شامل فعالیت های معمولی روزمره است که شخص در زندگی انجام می دهد، ولی به عبارت دقیق تر سبک زندگی طیف وسیعی از مسائل از قبیل اعتقادات و افکار و فعالیت های انسان در ارتباط با خداوند و خویشستن و جامعه را در بر می گیرد. (کوثری نیا ۱۳۹۲: ۵)

در هر جامعه ای (اعم از جوامع الهی یا جوامع ساخت بشری) شیوه زندگی افراد بر اساس فرهنگ و ارزش های همان جامعه بنا شده است و به همین دلیل ما شاهد سبک های گوناگونی از زندگی هستیم. یکی از این سبک ها، سبک زندگی شهدا است یعنی نوعی شیوه زندگی که براساس آموزه ها و ارزش های اسلامی و قرآنی بنا شده باشد.

سبک زندگی شهدا، مجموعه ای از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی است که در چارچوب دین قرار دارد و از آن رهنمون می گیرد و مجموعه ای از رفتارهای انسانی را تشکیل می دهد که در جهت رشد و پیشرفت جامعه ارائه می گردد.

۱-۳. فرهنگ شهادت

مجموعه ای از اعتقادات و آموزه هایی است که باعث شکل گیری روحیه ی شجاعت، مبارزه و جهاد در راه خدای متعال و نهایتاً کشته شدن در راه ایمان و عقیده است. محور اصلی این فرهنگ نیز همان شهید و انگیزه های متقن و مقدسی است که او را به سمت شهادت طلبی سوق می دهد.

۲- شاخص ها و مؤلفه های فرهنگ و سبک زندگی شهدا

شناخت مؤلفه های فرهنگ و سبک زندگی شهدا، یکی از مهمترین آموزه های دین اسلام در حوزه ی زندگی فردی و اجتماعی است و بدون داشتن آگاهی کامل نسبت به این مسئله، زندگی انسان ابهام آلود، متزلزل و دشوار خواهد بود تا آنجا که بدون پایبندی و عمل بر اساس این موارد در سبک زندگی شهدا، دستیابی به سبک زندگی اسلامی میسر نخواهد شد. از این رو، تلاش شده است که با نگاهی همه جانبه نگرانه به آیات قرآن کریم مؤلفه های بارز سبک زندگی شهدا و راه های رسیدن به آن از لابلای متون اصلی دین استخراج، و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ مهمترین مؤلفه های سبک زندگی شهدا عبارتند از؛

۱-۲. توحید محوری

اصل توحید محوری در سبک زندگی شهدا، که از مبنای توحید مداری جهان هستی، استخراج می گردد، بدین معناست که «مسلمان باید تمام رفتارها و گفتارهایش در همه عرصه ها برای خدا و با هدف بندگی خداوند انجام پذیرد و در همه احوال متوجه اطلاعات و بندگی خداوند متعال باشد. «همان گونه که در عالم هستی تمام موجودات بر مدار خدا پرستی می گردند و با زبان خود لا اله الا الله می گویند، انسان این موجود مختار و آزاد نیز باید این اشعار را با زبان عمل در فعالیت های خود عینیت بخشد تا در مسیر کمال حرکت کند و از این رو رسول خدا(ص) نخستین شعار و دعوت خود را با شعار «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا؛ بگویند نیست خدایی جز خدای یگانه تا رستگار شوید» آغاز کرد. از اهداف اصلی فرهنگ و سبک زندگی شهدا، رسیدن به آرامش است و این آرامش در سایه توحید و اعتقاد به یگانگی خدا قابل تحقق است، عقیده به خدای یگانه و نفی شرک، مایه آرامش و اطمینان قلب و سبب دور بودن موحدان از تحیر و اضطراب است همانطور که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ الْهَآ...»،^۲ و «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»،^۳ تشبیه مشرکان به بردهای که دارای چند مالک است برای بیان اضطراب آنان است؛ بر خلاف موحدان که همانند بردهای دارای یک مالک هیچ گونه نگرانی و سرگردانی ندارند (طباطبایی ۱۳۷۴: ۱۷، ۲۵۸)

قرآن مجید در آیات فراوانی بر ضرورت حضور این اصل (توحید محوری) در زندگی که فعالیت های سیاسی نیز بخشی از آن است تاکید دارد و اوج این نوع سبک زندگی را در سوره حج عرضه می کند: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»،^۴ «تمکین، قدرت- بخشیدن و ابزار کار را در اختیار دیگری قرار دادن و راهنمایی کردن بر انجام کار است یعنی ما به آنها وسائل کارها را عطا کردیم و در زمین قدرت بخشیدیم تا نماز بگذارند و حقوق واجب را ادا کنند. و امر بمعروف و نهی از منکر کنند» (طبرسی ۱۳۷۷، ۱۶، ۲۲۲)

براساس آنچه گفته شد، اعتقاد به یگانگی خداوند، اصلی ترین مؤلفه فرهنگ و سبک زندگی شهدا است. یعنی باور به اینکه آفرینش همه پدیده ها و تدبیر و ربوبیت موجودات از جمله روزی دادن به آنها، مختص خدای یگانه است که مبدا و مقصد مالک هستی است.

۲-۲. ولایت مداری

«ولایت مداری» از اصول مهم و قوام بخش سبک زندگی شهدا است که حافظ نظام خانوادگی که کوچکترین اجتماع جامعه است نیز می باشد. این اصل با وفاداری و پیروی از حاکم اسلامی تحقق می یابد. اتحاد و وحدت نقش اساسی در این اصل دارند و مسبب اصلی حفاظت نظام خانواده می باشند. در سبک زندگی شهدا «ولایت مداری» بیانگر این نکته اساسی است که رابطه فرد مسلمان با حاکم اسلامی بیش از همه چیز رابطه ای معنوی و عاطفی است. رابطه میان امت و امام رابطه ای یک طرفه و دستوری نیست بلکه خصیصه «ولایی» بودن حکومت، احساس نزدیکی و نبود فاصله میان مسئولین و مردم است.

در قاموس قرآن خداوند متعال مالک، رب، حاکم و فرمانروای مطلق هستی است. «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ»،^۵ ولایت مداری هرچند خود به عنوان یک اصل است اما ارتباط تنگاتنگ و نا گسستنی ای با اصل پیشین یعنی توحید محوری دارد و در سبک زندگی شهدا، که برگرفته از قرآن

^۲ کهف/ ۱۴

^۳ زمر/ ۲۹

^۴ حج/ ۴۱

^۵ انعام/ ۵۷

است پس از پذیرش ولایت خداوند، ولایت جانشینان او مطرح است و ولایت خداوند در جامعه توسط نمایندگان خدا عینیت می یابد و عملیاتی می شود. پذیرش این ولایت عامل دستیابی به پیروزی است «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ؛ و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند ولیّ خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند.»^۶

فرهنگ شهادت فرهنگی ولایت پذیر است، چنانکه شهید حاج حسین خرازی درباره ولایت امام خمینی (ره) می فرماید: کاری به خط و خط بازی نداشته باشید؛ ببینید امام چه می گوید، مسیر امام کدام است، اگر قبول کنیم امام ولی فقیه زمان هستند که مسلماً هستند، پس ما باید با او باشیم؛ هر چه گفت، همان را بپذیریم، هر که را قبول کرد، همان را قبول کنیم. اگر نماینده ای را برای منطقه ای برگزید، مطیع نماینده او باشیم، اگر کسی مسئولیتی دارد، از برکت خون شهدا دارد؛ از وجود نازنین امام دارد. (حسین زاده، ۱۳۸۹، ۳۴۱)

مهمترین ویژگی مجاهدان در راه خدا، ولایت پذیری است، چرا که همین اصل اساسی باعث حبات آنان می شود و این حبات را از قرآن کریم سرمشق گرفته اند.^۷ ولایت پرتوی از حکومت خداست در پرتو آن حق استمرار پیدا می کند و روحیه ظلم ستیزی در انسان تقویت پیدا می کند.

۲-۳. اکرام و احترام

یکی از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت آمیز و آرامش در زندگی، حفظ حرمت یکدیگر است. شناخت جایگاه هر یک از زن و شوهر در زندگی مشترک، حقوقی که هر یک بر دیگری دارند و فضایی که برای آنان مطرح است، معنای احترام به همسر را مشخص می سازد. واضح است که هر انسانی باید به انسان های دیگر احترام بگذارد و زن و شوهر هم هر دو باید به یکدیگر احترام بگذارند که اگر این نیاز طبیعی در خانواده تأمین گردد در آرامش و افزایش اعتماد به نفس کل خانواده تأثیر مستقیم خواهد داشت؛ در واقع یکی از جلوه های همسر داری، حفظ کرامت و شخصیت شوهر در خانه و جامعه است؛ چرا که اولاً انسان تاج کرامت الهی بر سر دارد،^۸ ثانیاً احترام به همسر، احترام به خود و خانواده و زندگی مشترک است و هر چه همسران، بیشتر به یکدیگر احترام بگذارند، از سوی فرزندان و دیگران، بهتر مورد تکریم قرار می گیرند. اما در این میان سفارشات و آموزه های ناب قرآن کریم و دین مبین اسلام، نسبت به اکرام و احترام زن جایگاه خاص و ممتازی دارد. این که به طور خاص بر «احترام شوهر به زن» سفارش شده، به این دلیل است که احترام به زن، نه از جنس و نه به میزان احترام های دیگر است؛ بلکه سطحی بسیار بالاتر دارد، که البته آن هم به دلیل نوع آفرینش و ویژگی های خاص زن و شخصیت ویژه ای اوست.

فرهنگ شهادت تکریم کننده و ارزش دهنده به شخصیت انسان هاست، آنها را به سرچشمه کمال هستی وصل می کند و به آنها ارزش و بها می دهد. امام باقر (ع) می فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيَكْرِمْهَا؛ کسی که زنی را به همسری برمی گزیند، بر وی واجب است که او را احترام کند.» (حر عاملی ۱۱۰۴، ۵، ۶۱) البته درباره وجوب اکرام شوهر از سوی همسرش نیز روایات فروانی آمده است، چنانچه امام صادق (ع) می فرماید: «مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَ تَعْمَهُ وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ؛ از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتش نماید؛ و سعادت مند است زنی که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و او را در همه حال اطاعت نماید.» (کراجکی ۱۴۱۰: ۱، ۱۵۰)

^۶ مانده / ۵۶

^۷ انفال / ۲۴

^۸ اسراء / ۷۰

۴-۲. راستگویی و صداقت

صداقت همچون پل ارتباطی مؤثر موجب جلب اعتماد میان زن و شوهر و باعث میل و رغبت بیشتر طرفین برای هم صحبتی با یکدیگر میشود، زیرا اطمینان قلبی می یابند که هیچ یک از آن دو به دیگری دروغ نمیگوید. بسیاری از ناهنجاریهای رفتاری و اختلافات خانوادگی و مشاجرات میان همسران و دوستان و فامیل ها و حتی تنش ها و نزاع های سیاسی، ناشی از بی صداقتی و ناخالصی است.

دروغگویی صنعتی است نکوهیده، بسیار ناپسند و زیان آور که روح خیانت و ناپاکی را در انسان تقویت و آتش وجدان را در کانون دل خاموش می کند. آیات و روایات بسیاری در مدح راستگویی و صداقت وجود دارد؛ از جمله خداوند متعال در سوره احزاب می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ «هان ای کسانی که ایمان آوردند، از خدا پروا گیرید و سخنی استوار بگویید»^۹. همچنین امام علی میفرماید: «يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا حُسْنَ الثَّقَةِ بِهِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُ وَ الْمَهَابَةَ عَنْهُ راستگو به سبب راستگویی خود سه نعمت به دست میآورد؛ معتمد مردم میشود، او را به درستی و صمیمیت می پذیرند و بزرگی و عظمتش در دلها جای میگیرد. (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۲۱۹) از نگاه فرهنگ و سبک زندگی شهدا، صداقت جاذبه ی میان زوجین را نسبت به هم بیشتر می کند. صداقت و راستگویی باعث همراهی خدا و رهایی از قیود وابستگی ها می شود. قرآن کریم در این باره می فرماید: «ان الله مع الصادقين» شهدا مؤمنان صادقی اند که از خودخواهی ها و منیت های وجودشان گذشتند و خداخواهی را بر خود خواهی ترجیح دادند و اینگونه تا مقام قرب الهی پیش رفتند. صداقت در گفتار و کردار و پندار، همه این ها نمونه بارزی در فرهنگ شهید و شهادت دارد. از بایسته های اخلاقی فرهنگ و سبک زندگی شهدا هماهنگی درون و برون است که بر اساس اصل صداقت، خداوند مجاهدان را نصرت و یاری می دهد «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُتْبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ» چون خداوند راستی ما را دید بر دشمن ما خذلان و ما را یاری فرستاد». (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴، ۴، ۳۳)

صداقت نمایش باطن راستین است. شهدا با اختیار به حیات خود که تنها سرمایه آنان بود پایان دادند و با این صداقتشان معلو مشد که خدا باور هستند.

۵-۲. عفو و گذشت

یکی از مؤلفه های اخلاقی بسیار مهم در الگوی زندگی به سبک شهدا، که در رأس ارزش ها قرار دارد صفت عفو و گذشت و بزرگواری در برخوردها است. در قرآن در آیات متعددی سخن از عفو و گذشت به میان آمده، چنانکه می فرماید: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن ناگاه (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی گرم و صمیمی است»^{۱۰}.

امیرمؤمنان علی(ع) عفو را تاج ارزش ها خوانده و فرموده اند: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ؛ عفو و گذشت تاج و زینت فضایل اخلاقی است.» (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۱، ۱۴۰) این تعبیر نشانگر آن است که همان گونه که تاج علامت قدرت و عظمت و زینت است و جایگاه آن بر بالاترین عضو بدن می باشد، عفو و گذشت نیز در میان مردم از جایگاه بالنده و فرازمندی قرار دارد، و مایه زینت و زیبایی انسان می باشد. بر همین اساس شایسته است در این راستا بیشتر بیندیشیم، و با توضیح و کالبد شکافی و آسیب شناسی این خصلت زیبا و سازنده، روح و روان خود را با آن بیاراییم.

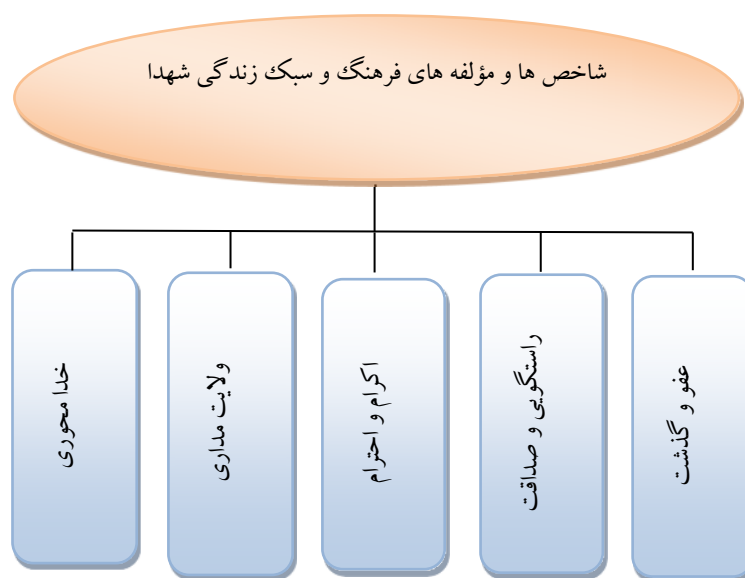
در فرهنگ و سبک زندگی شهدا، داشتن روحیه گذشت از اشتباه های دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنان، نمونه ای از اخلاق نیک و بزرگی روح و نیز از آداب معاشرت است. گذشت و چشم پوشی از خطای همسر در زندگی مشترک، از مهم ترین

^۹ احزاب/۷۰

^{۱۰} فصلت/۳۴

عوامل ثبات و ایجاد آرامش در خانواده متعالی است؛ زیرا عشق و محبت همسران را افزایش میدهد و اختلاف و بگومگو را پایان می بخشد. گذشت، نشانه حسن نیت و خوش بینی به همسر و زندگی است. در مقابل، نبود گذشت در روابط خانوادگی، موجب دنباله دار شدن اختلاف ها و بگومگوها میشود و به تیرگی روابط خواهد انجامید. خداوند در قرآن کریم سفارش می کند که از خطاهای دیگران چشم پوشی کنید، بلکه خطای آنان را نادیده انگارید: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۱۱}، در روایات معصومان نیز به همسران سفارش شده است که از خطاهای یکدیگر بگذرند. امام سجاده (ع) گذشت از خطای همسر را ادای یکی از حقوق وی میداند: «أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أُنْسًا ... وَ إِذَا جَهِلْتَ عَفْوْتَ عَنْهَا» (صدوق ۱۳۸۲، ۲، ۵۶۷)

این کار در سیره ائمه نیز به خوبی آشکار بود. امام صادق فرمود: «کانت امرأة عند ابی تؤذیه فیغفر لها؛ پدرم، امام باقر همسری داشت که آن حضرت را اذیت می کرد پدرم در مقابل، او را عفو می نمود. (فیض کاشانی ۱۴۰۶، ۲۲، ۷۸۴).



۳- رویکردهای انگیزشی فرهنگ شهادت در بارورسازی معنویت در خانواده

در فرهنگ و سبک زندگی شهدا، جهت گیری اساسی و کلان را دین اسلام مشخص می کند. در این نظام فکری نشأت گرفته از ایمان دینی، حفظ خود اسلام، قرآن و ارزش های دینی- الهی در اولویت نخست قرار دارد و مؤمنان باید با بذل جان و مال خود در این مسیر قدم گذاشته و به سیر الی الله حرکت کنند. به طور کلی، فرهنگ شهادت، در جهت انگیزش خانواده ها در بارورسازی معنویت دو رویکرد دارد:

۳-۱. رویکرد شناختی و معرفتی

تجلی رویکرد شناختی در پرتو اهتمام به مسائل زیر است:

۳-۱-۱. ایمان به خدا

یک فرد یا خانواده معنوی، در واقع یک فرد یا جامعه ایمانی است. طبق فرموده امیرمؤمنان علی (ع)، «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ». (سید رضی، حکمت ۲۲۷)، ایمان از سه رکن مفهومی- عملیاتی زیر تشکیل می شود:

- اعتقاد داشتن به وجود منبعی با قدرت ماورایی یا کانون قدرت مطلق و برتر، یعنی خداوند؛
- یقین به توانمندی و تأثیرگذاری آن کانون بر همه امور؛
- التزام به احکام و فرمان آن قدرت مطلق و برتر در عمل.

طبق این تعریف، ایمان مقوله‌ای سلسله‌مراتبی است که موضوع آن همان قدرت برتر و مطلق، یعنی خداوند است. بر اساس ایمان، نوعی رابطه بین انسان، فرد یا جامعه با خداوند برقرار می‌شود که تمامی عرصه‌های حیات انسان، فرد و اجتماع را - اعم از مسائل تنوریک و عملیاتی - تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

معنویت بدون ایمان به خدا، بدون ایمان به مبدأ و معاد، بدون ایمان به معنویت انسان و اینکه در او پرتوی غیرمادی حاکم و مؤثر است، اساساً امکان پذیر نیست، حتی آن معنویت که امروزه مورد قبول اغلب مکاتب است و از آن به رومانتیسم تعبیر می‌کنند، بدون پیدا شدن آن عمق و ژرفایی که ادیان به ویژه اسلام پیشنهاد می‌کند، محال است. (مطهری ۱۳۷۳، ۱۷)

از این رو، سرچشمه بارورسازی معنویت در الگوی زندگی به سبک شهدا، ذات لایزال الهی است و انسان از راه ارتباط با او و بندگی او، به درجات والای معنویت می‌رسد. سرمایه بزرگ فرهنگ شهادت ایمان و اتصال به خدای متعال است که نوعی انقلاب و تحول درونی که انسان را از بی‌ثباتی در مسیر حق حفظ می‌کند. شهادت نیز متأثر از این تحول درونی است که ارزش‌های الهی و آرمانی را حیات می‌بخشد. ایمان تحولی در انسان به وجود می‌آورد که منیت‌ها و خودخواهی‌ها را سرکوب کند و بستر خداخواهی را فراهم کند، همین امر انسان را به سمت پیوند ملکوتی از طریق شهادت سوق می‌دهد و مجاهدان خود را ملزم به پاسداری ارزش‌های الهی می‌دانند.

۳-۱-۲. بصیرت و بینش افزایی در مواجهه با مشکلات

مصائب و شدائد که وسیله ابتلا و آزمون خداوند اند، «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ؛ و در هیچ قریه‌ای، پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردم آنجا را به سختی و بیماری دچار کردیم، شاید تضرع کنند و تسلیم شوند»^{۱۲}، مقدمه کمال انسان هستند، «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ به طور حتم، شما را با اندکی از ترس، گرسنگی و آفت در مال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و افراد صبور و با استقامت را مژده بده»^{۱۳}، آدمی زاییده مشکلات و سختی‌هاست، «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^{۱۴}، و باید مشکلات زندگی را تحمل کند و سختی‌ها را بر دوش کشد تا لایق هستی خود را بیابد. سختی‌ها و شدائد تازیانه تکامل همه موجودات و به ویژه انسان اند. گرفتاری‌ها و مصائب برای مؤمنان به منزله غذای تکامل روح است. چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيُعْذِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا تُعْذِي الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَبَنِ؛ خداوند بنده مؤمن خود را با بلا و سختی تغذیه می‌کند همان گونه که مادر فرزند خویش را شیر می‌دهد» (دیلمی ۱۴۰۸، ۲۷۷؛ مجلسی ۱۴۰۴، ۷۸، ۱۹۵)

در فرهنگ شهادت، برای رسیدن به مقامات معنوی و قرب الهی، بایستی با مصائب روزگار - که خود یک رویداد فشارزای روانی محسوب می‌شود - به سازش برسیم و بدانیم سختی‌ها در مسائل مادی و معنوی گذرگاه وصول به کمالات است. باید دانست هر که محبوب‌تر است، بلایش نیز بیشتر است. چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهَ بِالْبَلَاءِ غَتًّا؛ خداوند زمانی که بنده‌ای را دوست بدارد، او را در دریای شدائد غوطه‌ور می‌سازد» (کلینی ۱۳۶۵، ۲، ۲۵۳)

از این رو، فلسفه شدائد و بلاها، تنها سنجش وزن و درجه افراد نیست، بلکه افزایش وزن و بالا بردن درجات معنوی بندگان مورد نظر است، همچنان که استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

^{۱۲} اعراف/۹۴

^{۱۳} بقره/۱۵۵

^{۱۴} بلد/۴

آزمایش الهی، صفات انسانی را از نهانگاه قوه و استعداد به صحنه فعلیت و کمال بیرون می آورد. آزمایش خدا، تعیین وزن نیست، بلکه افزایش دادن وزن [درجات معنوی] است. (مطهری ۱۳۵۳، ۱۷۷)

فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگی صاحب بصیرت و آگاه است. این فرهنگ قدرت تشخیص حق از باطل دارد که نشأت گرفته از ایمان و تقوای اوست. شهادت کشته شدن اختیاری در راه خداست، حرکت مجاهدان راه حق، الگو برای صاحبان بصیرت است.

۳-۱-۳. توکل

یکی از ارزش های بزرگ سبک زندگی شهید، توکل -یعنی وکیل قرار دادن خدای متعال- در امور و کارهاست. توکل مفهومی است که می تواند تأثیری شگرف بر رفتار خانواده ها با اعضای خود داشته باشد. در فرهنگ ایثار و شهادت خدا یاری اش را عامل پیروزی مؤمنان و شکست دشمنان می داند تا در همه احوال به خدا تکیه کنند، «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^{۱۵}، و مجاهدان با توجه به اعتمادی که به خداوند دارند در میدان های نبرد نصرت و غلبه بر دشمن را از خداوند خواستارند. اینگونه درخواست خاضعانه آنان نشأت گرفته از توکل به خداست که در قرآن کریم چنین ترسیم شده است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^{۱۶}.

به گواهی آیات قرآن توکل بر خداوند آثار فراوانی در پی دارد که بر زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیرگذار است، که مهمترین آنها عبارت اند از؛ افزایش قدرت تصمیم گیری^{۱۷}، رهایی از تسلط شیطان^{۱۸}، آرامش در هنگام حوادث^{۱۹} و... است. همچنان که در روایات نیز به تعدادی از آنها از جمله؛ افزایش شجاعت و قوت قلب، «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمْ؛ کسی که بر خدا توکل کند، مغلوب نمی شود و کسی که بر خدا پناهنده شود، شکست نخواهد خورد» روشن شدن شبهات، «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ سَبَّحَانَهُ أَضَاءَتْ لَهُ الشُّبُهَاتُ؛ کسی که بر خدای سبحان توکل کند، شبهه ها برایش روشن گردد» (تمیمی آمدی ۱۳۶۶، ۱۹۷) آسان شدن سختی ها، «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ؛ هر کس بر خدا توکل کند، سختی ها بر او نرم و آسان، و اسباب و وسیله ها برایش فراهم خواهد شد» (همان، ۱۹۷) و... اشاره شده است. توکل در شرایط سخت، روحیه شهامت و شجاعت را در افراد تقویت می کند. مؤمن متوکل هیچ وقت در کارش دچار سستی و ضعف نمی شود، چون به یک منبع قدرت متصل است که شکست ناپذیر است از این رو قرآن می فرماید: «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^{۲۰}.

توکل از مهمترین شیوه های سفارشی اسلام در جهت رشد معنویت در خانواده ها است، معنویت در امید و اعتماد به (لطف، مهربانی، عدالت، مودت، حکمت و...) خدا جلوه گر می شود. امام جواد (ع) توکل را عامل رشد معنوی انسان ها دانسته و فرموده است: «الْتِقَاءُ بِاللَّهِ تَعَالَى ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلَمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ؛ اعتماد به خدای تعالی، بهای هر چیز گرانبها و نردبانی به سوی همه بلندی ها [مقامات عالیه] است. (دیلمی ۱۴۰۸، ۳۰۹؛ مجلسی ۱۴۰۳، ۱، ۲۱۸)

۳-۲. رویکرد عاطفی و معنوی

رویکرد انگیزشی دیگر در الگوی زندگی به سبک شهید، در جهت بارورسازی و ارتقای سطح معنویت در خانواده ها، توجه به بعد روحی و عاطفی آنهاست که تحقق آن بسته به عوامل زیر است:

^{۱۵} انفال/۱۷

^{۱۶} بقره/۲۵۰

^{۱۷} آل عمران/۱۶۰

^{۱۸} نحل/۹۹

^{۱۹} نساء/۸۱

^{۲۰} آل عمران/۱۲۲

۳-۲-۱. یاد خدا

قرآن در آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد»^{۲۱} به بیان یک قاعده فطری پرداخته است که یگانه پشتیبان و اساس استقرار قلب بشر در زندگی که در برابر خطرات و حوادث گوناگون استقرار و آرامش خود را نگهدارد و هرگز تزلزل بر آن رخ ندهد، همانا به یاد خدا بودن و توجه به عظمت کبریایی است؛ زیرا همت حقیقی و هدف اصلی انسان کسب سعادت و جستجوی گمشده خود می‌باشد و بیم و هراس او از آن است که بی‌خبری و غفلت بر او چیره شده، دچار شقاوت و تیره‌بختی گردد که چاره‌پذیر نباشد و در صورتی که به یاد خدا باشد و خاطر خود را بدان آشنا سازد و با خود تمرین کند که با آفریدگار انس بگیرد و به خلوت با او به سر برد و بر خاطر خود پرده‌ای می‌افکند که از ورود و خطور اغیار محفوظ بماند، این درجه از اطمینان خاطر، اقصی و دورترین درجه سیر و سلوک بشری و محصول ایمان و ملکات فاضله او است. یاد خدا شعله‌های شرارت و شهوت رانی را در انسان خاموش نموده و نفس آدمی را از رذایلی چون ستم، خیانت و سایر منکرات باز می‌دارد؛ تا جایی که انسان جز گام حرکت در مسیر رضایت خدا و تعالی معنوی خود، به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشد؛ از این رو، قرآن کریم خطاب به ایمان‌مؤمنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»^{۲۲}.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده:

«شیطان خرطوم خود را بر دل آدمی می‌گذارد چون به یاد خدا افتد، او پس می‌رود و خود را جمع می‌کند و همین‌طور است آن‌گاه که دل انسان متوجه عالم ملکوت شود و مطالعه انوار جبروت کند». (عاملی، ۱۳۶۰، ۵، ۲۵۱)

در فرهنگ و سیره شهدا، با یاد حق انسان در میدان معنوی گسترده‌ای قرار می‌گیرد که جلوه نور خدا و ملائکه اوست و شیاطین در آن راهی برای نفوذ نخواهند یافت.

۳-۲-۲. دعا و نیایش

یکی دیگر از راه‌های تعالی و رشد معنویت در خانواده‌ها در فرهنگ شهادت، دعا و درخواست از پروردگار است، زیرا انسان سراپا نقص و نیاز است و خداوند سراسر کمال و بخشش؛ قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم! همه شما به خدا فقیر و محتاجید، و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی و شایسته ستودن است»^{۲۳}. خداوند قدرت مطلق است و همه چیز تحت اختیار و اراده اوست و از آنجا که او خیر خواه انسان بوده و نسبت به مصالح دنیوی و اخروی کاملاً آگاه است، پس همواره بهترین رویدادها را در مسیر زندگی انسان قرار می‌دهد و آرامشی را به او اعطا می‌کند که توصیف‌ناپذیر است. بهره‌مندی از الطاف الهی، مستلزم اعتراف به نقص و نیازمندی انسان به رحمت رحمت بی‌منتهای خداوند است؛ بدین ترتیب انسان ناتوان، حاجت‌ها و نیازمندی‌های خود را به خداوند عرضه داشته و از او طلب می‌کند؛ دعا و نیایش حالتی است که در خلال آن، فرد مستقیماً با خداوند خود راز و نیاز می‌کند و معمولاً حالت معنوی آن برای افراد لذت بخش و مطبوع است. انسان وقتی از خداوند حاجتی می‌طلبد، احساس لذت می‌کند و وقتی از غیر خدا چیزی می‌خواهد احساس ذلت به او دست می‌دهد. بنابراین، دعا هم طلب است و هم مطلوب، هم وسیله است و هم غایت، هم مقدمه است و هم نتیجه. در تعالیم اسلامی بیان شده، که وقتی انسان در سختی‌ها از اسباب مادی قطع امید می‌کند، متوجه خدا می‌شود. قرآن در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرَحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ

^{۲۱} زمره/ ۲۸

^{۲۲} احزاب/ ۴۱-۴۲

^{۲۳} فاطر/ ۱۵

لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»^{۲۴}. نیایش هایی که در قرآن کریم آمده است، تأثیر به سزایی در تعالی روح و معنویت خانواده ها دارد و آنها را به خوسازی در پرتو ایمان و گفتگوی صادقانه با پروردگار مهربان سوق می دهد، مانند نیایش حضرت یونس (ع) در آیه «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ و (یاد کن حال) ایوب را وقتی که پروردگار خود را خواند که مرا بیماری و رنج سخت رسیده و تو (بر بندگان) از همه مهربانان عالم مهربان تری»^{۲۵}.

۳-۲-۳. توسل به ائمه معصومین (ع)

یک اعتقاد اساسی دیگر در فرهنگ و سبک زندگی شهدا، این است که در اقامه قدرت به موجودات و شمول رحمت در جهان، واسطه هایی در کارند. جهان، نظامی علی و معلولی است و فیض نیز با وسایطی به موجودات می رسد. توسل آن است که انسان در پیشگاه خداوند، موجودی گرانبه و آبرومندی را برای اجابت خواسته های خود واسطه بگیرد، این امر یکی از روش های رشد و بارورسازی معنویت در خانواده ها است. در حوزه تأمین نیازهای معنوی، خداوند مؤمنان را به برگرفتن «وسیله» فرمان داده است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^{۲۶} وسیله هر چیزی است که سبب نزدیکی انسان به خداوند می گردد. از امام علی (ع) روایت شده، که در ذیل آیه فوق فرموده است: «أَنَا وَسِيلَتُهُ؛ من وسیله خدا هستم». (ابن شهر آشوب ۱۳۷۹، ۳، ۷۵؛ دیلمی ۱۴۱۲، ۲، ۳۰۶)

حضرت فاطمه زهرا در بیانی نورانی فرموده اند: «خدایی را ستایش کنید که عظمت و نورش ایجاب می کند که اهل آسمان ها و زمین برای نزدیک شدن به او وسیله ای را بجویند و ما وسیله او در میان خلقت هستیم». (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴، ۱۶، ۲۱۱)

به همین جهت در تعالیم مکتب انسان ساز شهدا، سفارش فراوانی به توسل به معصومین به هنگام مواجهه با سختی ها و مشکلات شده است. ارتباط با اهل بیت (ع) چه در جنبه راهیابی و راه سپری در صراط مستقیم و چه در در جنبه الگوگیری در رفتارهای فردی و اجتماعی و چه در سلوک الی الله، لازمه ایمان و باقی ماندن بر آن است. محبت به اهل بیت و پیروی از آنان، راه رسیدن به قله های بلند معنویت و حفظ و افزایش آن است. خداوند تبارک و تعالی در ارتباط و تقرب به اهل بیت برکات پرشماری نهاده است که از ادراک بشر بیرون است. قرآن کریم محبت اهل بیت را بر همگان لازم شمرده و آن را اجر رسالت رسول خدا(ص) معرفی کرده است، «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۲۷}.

مقام معظم رهبری اهمیت ارتباط با معصومان را در تعالی معنوی انسان چنین بیان کرده است:

"قدر این ارتباط و اتصال قلبی و پیوند معنوی را بدانیم. پشتوانه ایمان ماست، گوهر ارزنده است که تشکیل دهنده هویت انسانی و اسلامی ماست. محبت را روز به روز بین خودمان و خانواده مطهر و معصوم اهل بیت پیغمبر و به خصوص فاطمه زهرا بیشتر کنیم و همچنین خودمان را با اطاعت خدا به آنها نزدیکتر نماییم". (حدیث ولایت، بیانات معظم له در دیدار با مداحان،

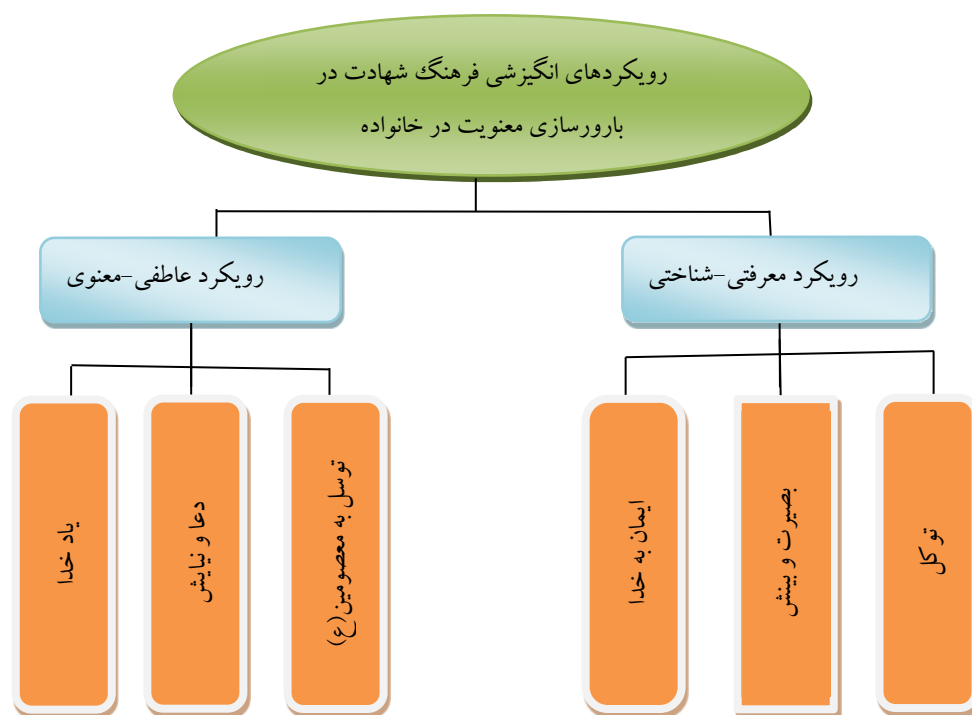
(۱۳۸۲/۵/۲۸)

^{۲۴} یونس/۲۲

^{۲۵} انبیاء/۸۳

^{۲۶} مائده /۳۵

^{۲۷} شوری/۲۳



۴- راهکارهای تحقق فرهنگ و سبک زندگی شهدا در خانواده ها

فرهنگ متعالی «ایثار و شهادت» با اندیشه ها، الگوهای اخلاقی و رفتاری منبعث از قرآن و احادیث نیاز به یک شرایط و فضای مناسبی دارد تا مورد تأمل و شناخت صحیح تمامی اعضای خانواده ها قرار گیرد و با اقبال حداکثری روبرو گردد. فلذا کار بست راهکارها و راهبردهایی که به عمده ترین آنها در ذیل اشاره می گردد گام بلندی در ایجاد فضای مطلوب و اشاعه ی این فرهنگ ناب در سطح خانواده ها خواهد بود؛

۴-۱. بازشناسی مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت برای نسل جوان

فداکاری و از خود گذشتگی، یک ارزش جهانی و فرا مذهبی است. همه انسان ها نسبت به افرادی که با شجاعت در مقابل ستم قد بر افراشته اند و تن به ذلت و خواری نداده اند، ادای احترام کرده و آنان را ستایش می کنند. حتی افراد ناتوان و زبونی که جرأت اظهار وجود در برابر ستم و یارای مخالفت با ستمگری نیافته اند، نسبت به انسان های قهرمان و مقاوم ابراز احترام می کنند. حملات انتحاری مجاهدان گمنام مسلمان، علیه صهیونیست غاصب و زورگو، بدون ملاحظه سن و جنس قهرمانان آن، مورد تقدیر و تحسین همه حق طلبانه جهان است. ایثار و شهادت، جایگاه فوق العاده ارزشمندی در فرهنگ دینی دارد. آنچه کرامت و عزت انسان را تثبیت و تقویت می کند و روح متلاطم و پویای او را به نهایت کمال و اوج تعالی رهنمون می شود، در این حقیقت متجلی است. ایثار و شهادت، منشأ تربیت انسان جاودانه و جاودانگی انسان است و حقیقت وجود او را تبیین و تفسیر می کند. خون شهید برای همیشه در رگ های اجتماع می جهد. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يَقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛ برتر و بالاتر از هر نیکوکاری، نیکوکار دیگری است، تا آنگاه که در راه خدا شهید شود، وقتی که در راه خدا شهید شد، دیگر بالاتر از او کسی نیست». (کلینی ۱۴۲۹، ۴، ۶۴)

جوانان بیش از بزرگسالان به ارزشهای فرامادی اعتقاد دارند و این تفاوت ارزشی جوانان و بزرگسالان ناشی از تفاوت تجربه و اجتماعی شدن آنها می باشد. در اسلام به جوانان توجهی خاص مبذول شده است. امروزه پاسداری از خون شهیدان و ابلاغ پیام

انقلاب اسلامی به همت جوانان غیرتمند و آزاده متکی است. بازنشاسی مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت و عبور از سالهای سخت جهاد و مقاومت، الگوی کامل و سنت مطلوبی است که جوانان را به آینده‌ی درخشان و امید بخش و افق‌هایی روشن دلگرم می‌سازند. خانواده‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده می‌توانند مبانی آموزه‌های دینی فرهنگ ایثار و شهادت را در ذهن و ضمیر و روح جوانان خود نهادینه کرده، در نتیجه ضریب اعتماد و اطمینان آنها را بالا برده و توان‌شان را برای مقابله در برابر تهاجم گسترده فرهنگی افزایش دهند.

۲-۴. ایجاد زمینه خودباوری در بین نسل جوان

یکی از راهبردهای اساسی در زمینه‌ی تقویت فرهنگ ایثار و شهادت در بین نسل جوان، ایجاد احساس خودباوری مذهبی و ملی در آنان است. خودباوری اصطلاحی است که امروزه در جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی به کار می‌رود و منظور از آن یک حالت مثبت روحی و روانی است که در نتیجه‌ی احساس ارزش‌مندی در نفس انسان پدید می‌آید و او را آماده می‌سازد تا از طریق بهره‌گیری از لیاقت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد به انجام وظایفی که برعهده اوست، قیام نماید و در این راه، از مشکلات و موانعی که پیش می‌آید هراسی به دل راه ندهد. از این حالت روحی در فرهنگ اسلامی با تعبیری چون علو همت، مناعت طبع، اعتماد به نفس، عزت نفس و ... یاد می‌شود. در واقع، خودباوری، باور به استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای نهفته‌ی فطری درونی است که با اتکاء به آن، می‌توان به اهداف مورد نظر در زندگی رسید و به آنان جامعه عمل پوشاند. خودباوری ملی، در مقابل از خود بیگانگی و خودباختگی ملی مطرح می‌شود. گاهی افراد یک جامعه در اثر ناآگاهی و یا تحت تاثیر تبلیغات سوء و جذاب دشمنان، به سنت و باورهای ملی و فرهنگی خود پشت می‌کنند و از نمادها و ارزش‌های رایج در جوامع دیگر پیروی و تقلید می‌کنند. این کار به تدریج، راه نفوذ و تسلط همه جانبه‌ی بیگانگان را در عرصه‌های مختلف آن جامعه هموار می‌سازد. در نهایت، کیان و استقلال آن جامعه را با خطر جدی مواجه می‌سازد. در تاریخ جوامع اسلامی به نمونه‌های زیادی از این گونه جامعه‌ها برمی‌خوریم. ترکیه دوران آتاترک و حتی ترکیه امروز در مقابل غرب، و ایران دوره رضاخان و بسیاری از جوامع دیگر، مصداق روشنی از مردمی هستند که به خود باختگی ملی گرفتار آمده‌اند. بنابراین، اگر افراد جامعه‌ای خواهان پیشرفت و تعالی هستند باید از طریق اصلاح نظام آموزشی و تربیتی جامعه و بازنگری در باورها و ارزش‌های فکری و فرهنگی به جای مانده از گذشته، تمام این گونه اوصاف و ویژگی‌های نادرست فکری و اخلاقی را اصلاح نمایند و به یک انقلاب فکری و فرهنگی، به ویژه در سطح اندیشه و اعتقادات نسل جوان دست بزنند. آن‌گاه از طریق احیای ارزش‌های اصیل و حیاتبخش روح اعتماد به نفس و خودباوری را در وجود این قشر، که مهمترین سرمایه جوامع محسوب می‌گردند، شکوفا ساخته و حفظ و استمرار خواهند بخشید. دفاع مقدس و شهدا در این زمینه نقشی اساسی ایفا می‌کنند، به شرط آنکه کسانی از قبیل والدین با نحوه‌ی ایجاد خودباوری در جوانان آشنا بوده و از طریق این احساس، فرهنگ ایثار و شهادت را تبیین و ترویج نمایند.

۳-۴. تأسی به الگوهای جاودانه

فرهنگ ایثار و شهادت را در صورتی می‌توان در بین اقشار مختلف جامعه و به ویژه نسل جوان، که به دلایل مختلف جامعه‌شناختی و فرهنگی در معرض انواع تهاجمات قرار گرفته‌اند، تقویت نمود که اصول تربیتی و روان‌شناختی موضوع را مد نظر قرار داد. یکی از بهترین راهبردهای تقویت این فرهنگ، معرفی اسوه‌های موجود در آن است. انسان موجودی قهرمان‌آفرین و الگو ساز است. قرآن کریم پیامبر عزیز اسلام (ص) را به عنوان الگوی متعالی بشریت معرفی کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود»^{۲۸}.

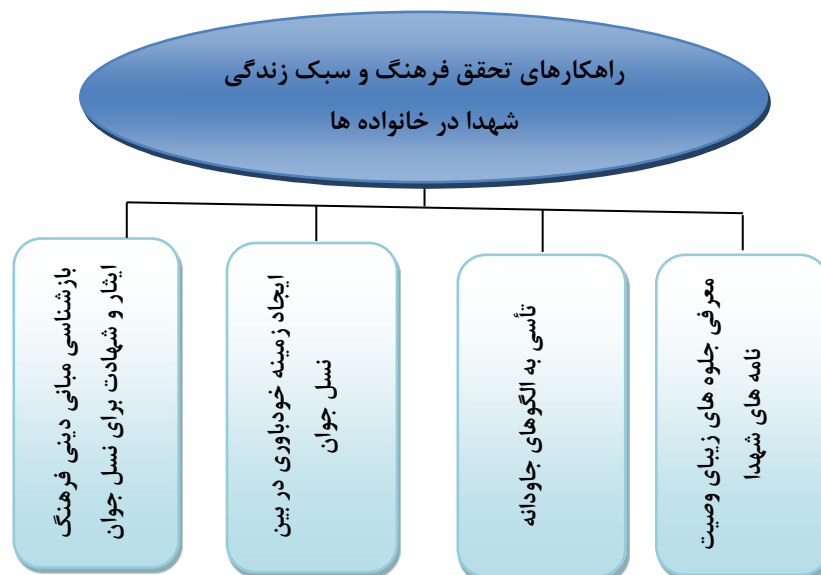
همچنین حضرت ابراهیم و پیروان واقعی او را الگوی مناسبی برای هدایت جامعه معرفی می کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت»^{۲۹}.

این الگوهای جاودانه برای دفاع از حق مردم و پیشبرد آرمان های والای الهی از همه چیز خود گذشتند. آزمون های سخت الهی را پشت سر گذاشتند تا ارزش های والای انسانی را تحقق بخشند. در این میان امام حسین (ع) بنیان گذار الگوی کامل و بی بدیلی در تاریخ بشریت است. امام حسین (ع)، سید الشهداء و بالاترین اسوه و مقتدای کسانی است که چون می بینند که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید، بی تاب رؤیت حق و ملاقات خداوند می شوند و فریاد بر می آورند که: «وَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا؛ من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی و کسالت نمی بینم.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴، ۶۸)

مسلم الگو قرار دادن ائمه معصومین علیهم السلام و اولیای الهی و شهیدان والا مقام که اسوه تمام عیار رهبران و مردم می باشند نقش مهمی در شناساندن، رفع موانع و تحقق سبک زندگی شهدا و به بار نشستن اهداف آن خواهند داشت.

۴-۴. معرفی جلوه های زیبای وصیت نامه های شهدا

ارائه و معرفی جلوه های زیبای وصیت نامه های شهدا به نسل جوان، راهبرد مهم دیگر در تقویت فرهنگ ایثار و شهادت است. وصیت نامه های شهدا از بهترین اسناد مکتوب دوران جنگ تحمیلی است که علاوه بر استفاده تاریخی از آن ها می توان نمونه های عالی ارزش ها را در آن ها یافته و به نسل جدید معرفی نمود. از آنجا که این وصیت نامه ها بیان گر حس و حال واقعی شهدای دفاع مقدس می باشند، تاثیر شگرفی در تقویت فرهنگ ایثار و شهادت دارند. متأسفانه در کتب درسی از متون وصیت نامه شهدا هیچ استفاده ای نشده است که به نظر می رسد، بسیار به جا و شایسته است که وزارت آموزش و پرورش بنحوی شایسته و جذاب از این اسناد بالارزش برای معرفی هر چه بیشتر فرهنگ ایثار و شهادت استفاده کند. مسلماً این کار کمک بزرگی به معلمان و والدین دانش آموزان خواهد نمود تا ارزش ها را به دانش آموزان معرفی نمایند.



نتیجه گیری

در عصر کنونی، به جهت رشد و گسترش سریع اطلاعات که مرزهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و... را درنور دیده، اگر ملتی در راه حفظ و تقویت دستاوردهای فرهنگی خود قدم پیش نگذارد، نمی تواند در مقابل تهدیدات مصون بماند. هر چند در

فرهنگ ایرانی اسلامی بن مایه های عمیقی وجود دارد که می تواند هر تهدید و آسیبی را دفع کند، اما نمی توان به صرف اتکا به این پشتوانه ها، از نوآوری و اقدامات لازم و مؤثر جهت حفظ و ارتقای عناصر فرهنگی چشم پوشی کرد. در تاریخ ادبیات ما منابع نغز بسیاری پیرامون ارزش های فرهنگ ایرانی اسلامی در باب فرهنگ شهادت و سبک زندگی شهدا وجود دارد که از نظر کمی و کیفی در میان ادبیات دیگر ملل نظیری ندارد. همچنین بعد از انقلاب و دوران دفاع مقدس و پس از آن نیز به تأثیر از آن ادبیات پروری در حوزه های مختلف پدید آمد که غنای روزافزون آن را نشان می دهد. در این راستا، نقش خانواده ها در تحقق فرهنگ و سبک زندگی شهدا بسی نمایان تر و پر رنگ تر بوده است. «خانواده های متعالی» متشکل بر پایه فرهنگ و سبک زندگی شهدا، را می توان خانواده ای دانست که روابط بین اعضای آن بر اساس اندیشه توحیدی بنا نهاده شده باشد. فرهنگ ایثار و شهادت مجموعه ای ازمعانی نمادین است که ایثارگری و میل به شهادت را در افراد به وجود می آورد و با نهادینه شدن آن، نگرشها و رفتار افراد را به سمت رفتارهای ایثارگرانه سوق می دهد. تأسی به این فرهنگ غنی و ارزشمند در سایه اهتمام به مؤلفه های ترسیمی آن، از جمله خدا محوری، ولایت مداری، اکرام و احترام، صداقت و راستگویی، عفو گذشت تحقق پذیر است. از آنجایی که در فرهنگ و سبک زندگی شهدا، جهت گیری اساسی و کلان را دین اسلام مشخص می کند؛ لذا در این نظام فکری نشأت گرفته از ایمان دینی، حفظ خود اسلام، قرآن و ارزش های دینی- الهی در اولویت نخست قرار دارد، به طور کلی، فرهنگ شهادت، در جهت انگیزش خانواده ها در بارورسازی معنویت دو رویکرد دارد: رویکرد شناختی و معرفتی - رویکرد عاطفی و معنوی.

فرهنگ متعالی «ایثار و شهادت» با اندیشه ها، الگوهای اخلاقی و رفتاری منبعث از قرآن و احادیث نیاز به یک شرایط و فضای مناسبی دارد تا مورد تأمل و شناخت صحیح تمامی اعضای خانواده ها قرار گیرد و با اقبال حداکثری روبرو گردد. لذا کار بست راهکارها و راهبردها، گام بلندی در ایجاد فضای مطلوب و اشاعه ی این فرهنگ ناب در سطح خانواده ها خواهد بود؛ اهم این راهکارها عبارتند از؛ ایجاد زمینه خودباوری در بین نسل جوان، بازشناسی مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت برای نسل جوان، تأسی به الگوهای جاودانه، معرفی جلوه های زیبای وصیت نامه های شهدا.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم.
- ۳- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، موسسه انتشارات علامه.
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، محقق: سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم.
- ۵- حدیث ولایت (۱۳۷۵ش)، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری؛ دفتر مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۶- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. محقق / مصحح: مؤسسه آل البیت علیه السلام. قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام، چاپ اول.
- ۷- حسین زاده، جعفر (۱۳۸۹ش)، مجموعه مقالات همایش ملی راه های ترویج و گسترش فرهنگ شهادت در دانشگاه ها، ایلام، پویش باختر.
- ۸- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البیت علیه السلام، چاپ اول.
- ۹- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش.
- ۱۰- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه. شریف رضی، محمد بن حسین. قم: نشر هجرت، چاپ اول.
- ۱۱- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

- ۱۲- صدوق، محمد بن بابویه قمی (۱۳۸۲ ش)، الخصال، چاپ: اول، جعفری، یعقوب، قم: نسیم کوثر .
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- ۱۴- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: مترجمان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- ۱۶- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴ق)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ سیروس.
- ۱۷- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش)، تفسیر عاملی. تحقیق: علی‌اکبر غفاری. تهران: انتشارات صدوق، چاپ اول.
- ۱۸- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان، انتشارات کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ اول.
- ۱۹- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰- کوثری نیا، نفیسه (۱۳۹۲)، ارتباط سبک زندگی اسلامی و حیات طبیه در قرآن کریم؛ فصلنامه قرآنی کوثریه.
- ۲۱- کراجکی، محمدبن علی (۱۴۱۰ق)، کنزالفوائد، محقق / مصحح: عبدالله نعمه، قم، دارالذخائر، اول.
- ۲۲- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعة لدر أخبار الائمه الأطهار علیه السلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- ۲۳- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳ش)، عدل الهی، تهران، و سسه انتشارات اسلامی.
- ۲۴- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، امامت و رهبری (مجموعه آثار)، قم، انتشارات صدرا.

منابع:

1. Holy Quran
2. Ibn Abi al-Hadid al-Mu'tazili, A. (1984 AH). *Sharh Nahj al-Balaghah* [Commentary on Nahj al-Balaghah] (2nd ed.). Qom: Ayatollah Mar'ashi Library. (In Arabic)
3. Ibn Shahr Ashub al-Mazandarani, M. (1959 AH). *Manaqib Āl Abī Ṭālib (a.s.)*. Qom: Allameh Institute. (In Arabic)
4. Tamimi Amadi, A. b. M. (1990 AH). *Muhakkik: Sayyid Mahdi Rajayi* (Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami, 2nd ed. (In Arabic)
5. Hadith-e Velayat. (1996 AD). Collection of Supreme Leader's Guidelines. Tehran: Islamic Propagation Organization. (In Persian)
6. Al-Hurr al-Amili, M. b. H. (1988 AH). *Tafsil Wasa'il al-Shi'ah ila Tahril Masa'il al-Shari'ah* (1st ed.). Qom: Al-al-Bayt Institute. (In Arabic)
7. Hosseinzadeh, J. (2010). Proceedings of the National Conference on Ways of Promoting Martyrdom Culture in Universities. Ilam: Puyesh Bakhtar. (In Persian)
8. Deylami, H. b. M. (1988 AH). *A'lam al-Din fi Sifat al-Mu'minin* (1st ed.). Qom: Al-al-Bayt Institute. (In Arabic)
9. Saroukhani, B. (2013). *An Introduction to the Sociology of Family*. Tehran: Soroush. (In Persian)
10. Sharif Razi, M. b. H. (1993 AH). *Nahj al-Balaghah* (1st ed.). Qom: Hijrat Publishing. (In Arabic)
11. Al-Saduq, M. b. A. b. B. (1983 AH). *Ma'ani al-Akhbar* (1st ed.). Qom: Islamic Publication Office. (In Arabic)
12. Al-Saduq Qummi, M. b. A. (2003 AD). *Al-Khisal* (1st ed.). Qom: Nasim Kowsar. (In Arabic)
13. Tabatabaei, M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (S. M. B. Mousavi Hamedani, Trans., 5th ed.). Qom: Islamic Publication Office of Society of Seminary Teachers. (In Persian)
14. Tabrasi, F. b. H. (1998). *Jawame' al-Jame'*. Tehran & Qom: University of Tehran & Seminary Administration. (In Arabic)

15. Tabrasi, F. b. H. (1981). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (3rd ed.). Tehran: Nasr Khosrow. (In Arabic)
16. Dehkhoda, A. (1916 AH). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Sirus Press. (In Persian)
17. 'Ameli, E. (1981). *Tafsir Ameli* (A. A. Ghaffari, Ed.; 1st ed.). Tehran: Sadoogh Publications. (In Arabic)
18. Fayz Kashani, M. (1986 AH). *Al-Wafi* (1st ed.). Isfahan: Library of Amir al-Mu'minin Publishing. (In Arabic)
19. Al-Kulaini, M. b. Ya'qub. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Arabic)
20. Kowsari Nia, N. (2013). *The relation between Islamic lifestyle and "Hayat Tayyebah" in the Holy Qur'an. Qur'anic Quarterly of Kowsarieh*. (In Persian)
21. Karajaki, M. b. A. (1990 AH). *Kanz al-Fawa'id* ('A. Na'meh, Ed.). Qom: Dar al-Dhakhā'ir. (In Arabic)
22. Majlisi, M. B. b. M. T. (1983 AH). *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-A'immah al-Athar (a.s.)* (2nd ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
23. Motahhari, M. (1974). *Divine Justice*. Tehran: Islamic Publications Institute. (In Persian)
24. Motahhari, M. (1994). *Imamate and Leadership (Collected Works)*. Qom: Sadra Publications. (In Persian)